

مریم صادقی‌پری مواجِهه اسرائیل - فلسطین یکی از یغ نر ترین مناقشات خاورمیانه است که از یدو تأسیس رژیم صهیونیستی آغاز و به یک بحران جهانی تبدیل شده است. پیش از یک سال از عملیات «طوفان الاقصی» می‌گذرد، نبردی که دامنه آن طیف گسترده‌ای از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را درگیر کرده است. برای بررسی فرایندها، پیامدها و دورنمای عملیات طوفان الاقصی با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر هادی شجاعی عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی به گفت‌ووشنود نشستیم.امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید. ■ ■ ■

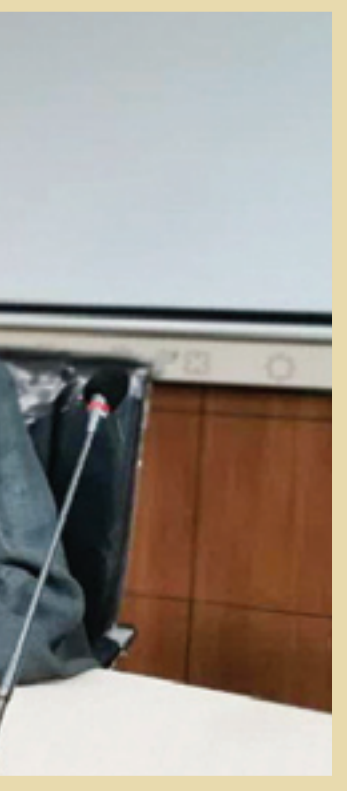
به عنوان اولین سؤال، مقاومت فلسطین و لبنان چگونه شکل گرفت؟

سال‌ها قبل از اعلام رسمی ایجاد رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸م، انتفاضه مردم مظلوم فلسطین در سال‌های ۱۹۲۱م، ۱۹۲۲م و ۱۹۳۹م، علیه اشغالگری و تعرض گروه‌های صهیونیست به خانه و کاشانه‌شان آغاز شد. پس از اشغال فلسطین در سال ۱۳۲۷ش/۱۹۴۸م و تشکیل رژیم صهیونیستی چند انتفاضه دیگر شکل گرفت که به انتفاضه اول و دوم مشهور شد. گروه‌های مقاومت اعم از حماس، جهاد اسلامی و گروه‌های کوچک‌تر، از دل همین انتفاضه‌ها به وجود آمدند و علیه اشغالگری به مبارزه پرداختند. ۳۰ سال پیش در ۹ دسامبر ۱۹۸۷م، اولین انتفاضه به وقوع پیوست. این قیام مردمی فلسطینی‌ها به مدت شش سال سراسر سرزمین‌های اشغالی را در بر گرفت و در نهایت، هم از سوی سازمان آزادیبخش فلسطین و هم از طرف اسرائیل به رسمیت شناخته شد. این انتفاضه ۲۰ سال پس از جنگ شش روزه (۱۹۶۷ میلادی) که باعث اشغال بیت‌المقدس شرقی، نوار غزه و کرانه باختری از سوی اسرائیل شد، به وقوع پیوست. این آغاز انتفاضه بود، انقلابی با سلاح سنگ‌ا به این ترتیب در تمام سرزمین‌های اشغالی، آتش قیام شعله‌ور شد. همدار سیاستمداران اسرائیلی به افزایش محدودیت‌ها و اعمال مجازات‌ها نیز نتوانست فلسطینی‌ها را ساکت کند. این انتفاضه به قدری سنگین و گسترده بود که اسحاق رابین نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی گفته بود: «آرزو می‌کنم روزی از خواب بر خیزم و ببینم که تمام غزه در دریا فرو رفته و از شر این منطقه رهایی پیدا کرده ایم…» با وجود امضای پیمان اسلو، انتقادهای بسیاری به این پیمان، در هر دو سوی منازعه دیده می‌شد. بحث سر موضوعات حساس همچنان مطرح بود و مطرح می‌ماند، از جمله وضعیت مرزها، موقعیت اسرائیل و حاکمیت بر بیت‌المقدس، ر هجران فلسطینی، بیت‌المقدس شرقی را پایتخت دولت خود در آینده می‌دانستند، در حالی که اسرائیل مدعی تمام شهر بیت‌المقدس از شرق تا غرب آن بود. در چنین فضایی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰م، آریل شارون از مخالفان پیمان اسلو به همراه شمار قابل توجهی از نظامیان اسرائیلی به «حرم شریف» در بیت‌المقدس شرقی وارد شد و ادعاهای اسرائیلی‌ها را درباره این مکان نمادین فلسطینیان تکرار کرد؛ با این کار، درگیری‌هایی میان نمازگزاران و نظامیان روی داد که شصت کشته و بیش از ۲۰۰ زخمی بر جای گذاشت؛ به این ترتیب، انتفاضه دوم (انتفاضه الاقصی) آغاز شد.

این انتفاضه تا چه حد دامنه منازعه میان نیروهای مبارز فلسطینی با اسرائیل را توسعه داد و به چه نتایجی منتهی شد؟

در جریان این انتفاضه، صدها عملیات انتضه‌ای از سوی فلسطینی‌ها به وقوع پیوست. متقابلاً ارتش اسرائیل نیز از حملات هوایی استفاده می‌کرد. نظامیان صهیونیست، همچنین شهرهای اصلی خودمختار در کرانه باختری را اشغال کردند و در سال ۲۰۰۲م، حملات سنگینی را علیه مواضع نیروهای مقاومت در این مناطق به اجرا گذاشتند. این انتفاضه نهایتاً در سال ۲۰۰۵م، با خروج آخرین سرباز ارتش اسرائیل از نوار غزه پس از امضای توافق آتش بس میان دو طرف، در جریان اجلاس شرم‌الشیخ پایان یافت. گفته می‌شود در جریان این انتفاضه نیز بیش از ۴هزار فلسطینی و بیش از هزار اسرائیلی کشته شدند. همانطور که اشاره شد، حماس و گروه‌های دیگری مانند جهاد اسلامی از دل این انتفاضه‌ها متولد شدند. حماس، شاخه «اخوان المسلمین» مصر در فلسطین بود و به دست عبدالعزیز غوده و شیخ احمد یاسین و دیگران تشکیل شد. هدف اصلی این گروه، نابودی رژیم صهیونیستی بود. از همان ابتدا در منشورشان تأکید کردند یهودیان و صهیونیست‌ها را از هم جدا می‌دانند و به عدم دشمنی با یهودیان اصرار کردند. مسئله اصلی آنها آزادی فلسطین بود. بعدها گردان‌های عزالدین قسام به عنوان گروه نظامی این گروه ایجاد شد. حماس در طول تاریخ فعالیت خویش چندین بار با رژیم صهیونیستی درگیر شده که به نبردهای ۱۱ روزه، ۲۲ روزه و ۵۳ روزه معروف شده است. عملیات طوفان الاقصی، آخرین گام از مجاهدت‌های گروه‌های مبارز فلسطینی برای رهایی از اشغالگری و آزادی قدس شریف بود که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، شکست قطعی رژیم صهیونیستی را رقم خواهد زد.

گروه حزب‌الله لبنان نیز در فرایند مبارزه با اشغال لبنان از سوی اسرائیل و در بحبوحه جنگ‌های داخلی این کشور و البته تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران به‌وجود آمد. در ۱۹۸۲م و پس از حمله اسرائیل به لبنان و مخصوصاً جنوب لبنان و البته اشغال بیروت، «حزب‌الله» به منظور مقابله با اشغالگری اسرائیل و با حمایت جمهوری اسلامی ایران در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی تشکیل شد. راهبرد اصلی این حزب در سال‌های ابتدایی، بر عملیات استشهادهای بنا شده بود و از همین طریق نیز در سال ۲۰۰۰م، صهیونیست‌ها را مجبور به تخلیه جنوب لبنان کرد؛ حزب‌الله در سال ۲۰۰۶م، در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل را شکست داد. از ۱۹۸۲م و به مرور زمان، پایه‌های این حزب مستحکم‌تر شد و نیروهایش به اشکالی گسترده‌تر در حوزه‌های مختلف حضور پیدا کردند. به عنوان نمونه در نبرد سوریه، نیروهای زیادی را سازماندهی کردند، به طوری که بعد از کاش تنش‌ها در آن کشور، حزب‌الله به یک نیروی رزمی، باتجربه و مجهز



«چندوچون وضعیت نبرد با رژیم صهیونیستی، در جبهه مقاومت» درگفت‌وشنود با حجت‌الاسلام دکتر هادی شجاعی

پاسپورت اشغالگران در جیب‌شان است اما ملت فلسطین می‌ماند و خانه‌اش را می‌سازد

تبدیل شد که نیروهای آن سال‌ها در یک جنگ واقعی

مبارزه و انواعی از جنگ‌های کوهستانی، شهری و نبرد در بیابان را از نزدیک تجربه کرده بودند. این حزب با حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران به یکی از قدرت‌های بزرگ موسیقی در دنیا تبدیل شده؛ به طوری که بسیاری از کشورهای دنیا آرزو دارند بخشی از دارایی‌های استراتژیک نظامی حزب‌الله را در اختیار داشته باشند. حزب‌الله شاید اولین گروه مقاومتی بود که به تعبیر شهید بزرگوار سید حسن نصرالله (قده)، بلافاصله بعد از عملیات طوفان الاقصی در ۱۷ اکتبر و به فاصله روز بعد از آن برای حمایت از قیام مردم فلسطین، جبهه شمالی را علیه رژیم صهیونیستی فعال کرد و این اقدام همانگونه که هم اکنون جهان شاهد آن است، پیامدهای گسترده و فراوانی یافت.

دور جدید رویدادها، با توجه به ضرایب اسرائیل به جبهه مقاومت و سیر درگیری بخشی از افکار عمومی، چگونه قابل ارزیابی است؟

نیاید از این مهم چشم‌پوشی کرد که جنگ روایت‌ها بخش مهمی از رویارویی‌های نظامی امروزین هستند. در نبردهای اکنون دنیا ممکن است یک طرف در میدان شکست بخورد، اما با توجه به کنترل رسانه‌ای و استفاده دقیقی که از ابزار رسانه می‌کند، روایتی از میدان جنگ تولید کند و به سربانه‌ها روایت‌های داخلی و خارجی دهد که فرسنگ‌ها با واقعیت فاصله داشته باشد. نکته مهم این است که همان روایت مخدوش با قدرت رسانه‌ها، محور قضاوت افکار عمومی در مورد وضعیت جنگ و طرف‌های درگیر قرار می‌گیرد؛ به هر حال شاید عمده افکار عمومی، درک مطلوبی از واقعیت حوادث نداشته باشند. به همین دلیل ضروری است، صرف‌نظر از اینکه در میدان چه اتفاقی می‌افتد، برای رسانه‌ها روایت‌های دست‌اول و واقعی تولید و ارائه شود. یعنی قبل از اینکه دیگران روایت مخشوش خودشان را به افکار عمومی منطقه، جهان اسلام و حتی جهان منتقل کنند، روایت دقیق از سوی عناصر رسانه‌ای مقاومت تولید شود که البته و متأسفانه همواره در این بخش ضعف‌هایی وجود داشته است. از سوی دیگر یک اصل اساسی در مسئله تحلیل وجود دارد که سیدالشهدای مقاومت جناب سید حسن نصرالله بارها آن را مطرح و به عنوان معیاری برای تحلیل واقعیت نبردها ارائه کرده‌اند. به باور ایشان، میدان است که تعیین می‌کند چه کسی پیروز و چه کسی بازنده نبرد



نمی‌شود. یک نکته دیگر را نیز سید حسن نصرالله

روایت‌هایی که با قدرت رسانه تولید و تبلیغ می‌شود، بنابراین ایشان تأکید داشت، چشم از میدان بردارید و مبنای تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌ها باید میدان باشد. بخش اعظم ظرفیت امروز غرب و صهیونیسم در حوزه رسانه تعریف می‌شود. در تحلیل وضعیت رژیم صهیونیستی در غزه می‌توان گفت، به رغم اینکه غزه در ظاهر با خاک یکسان شده است، اما رژیم صهیونیستی قطعاً شکست خورده و به اهداف اعلامی خود نرسیده است؛ زیرا حماس به عنوان عنصر ناامن‌ساز برای شهر کنش‌نیان صهیونیست، همچنان وجود دارد و تلفات می‌گیرد. البته اسرای اسرائیلی نیز آزاد نشده‌اند. این نشان می‌دهد اسرائیل به رغم ویرانگری‌هایی که داشته به هدفش نرسیده است. در جبهه لبنان هم وضعیت به همین شکل است و با وجود اینکه برخی رهبران حزب‌الله به شهادت رسیده‌اند و حدود دو، سه هزار نفر از مردم بی‌گناه در حملات رژیم صهیونیستی کشته شده‌اند، صهیونیست‌ها نتوانسته‌اند به اهدافشان برسند و هر روز تلفات سنگینی در مرزهای شمالی اسرائیل و در درگیری با نیروهای حزب‌الله می‌دهند. افزون بر اینکه هنوز نتوانسته‌اند شهر کنش‌نیانی را از شهرها و شهرک‌های مرزی در شمال آواره شده‌اند، به خانه‌های غصبی‌شان برگردانند. به رغم وجود این واقعیت‌ها، رژیم صهیونیستی به شدت در حوزه رسانه‌ای سرمایه‌گذاری کرده و توانسته است با همکاری برخی رسانه‌های منطقه‌ای همسو و خائن، چالش‌های فکری و تحلیلی را در میان بخشی از مردم

پسند و لو به صورت محدود ایجاد کند. متأسفانه با وجود هزینه‌های زیادی که در حوزه رسانه انجام شده است، هنوز از یک رسانه قوی‌گسترده در حوزه تلویزیون، رادیو یا کانال‌های معتبر خبری می‌تواند جهان اسلام و به خصوص کشورهای عربی منطقه را تذبذب کند، بی‌بهره هستنیم؛ رف این معضل، یک برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه را می‌طلبد. **شهادت رهبران رده‌اول حماس در فلسطین و حزب‌الله در لبنان در فرایند جنگ چه تأثیری خواهد گذاشت؟**

با وجود ویژگی‌های برجسته رهبران پراآوازه و پرتوان مقاومت که جایگاه و اثرگذاری ویژه‌ای به آنها بخشیده بود، شبکه مقاومت به صورت یک سیستم یکپارچه مبتنی بر ولایت طراحی شده که با رفتن فرماندهان خللی در اصل ساختار آن ایجاد



انقلابی از عملیات تاریخی «طوفان الاقصی»

آیا مصاف کنونی طولانی و فرسایشی خواهد بود یا با واسطه تراشی‌ها و طرح‌های آتش‌بس به نقطه توقف و سکون خواهد رسید؟

باید گفت جنگ به جایی رسیده که دیگر امکان بازگشت آن وجود ندارد؛ آتش‌بسی که مقاومت به دنبال آن بود و از روز اول بر آن تأکید می‌کرد، قاعداً بعد است که فعلاً مورد پذیرش رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانانش قرار گیرد. علت‌نیز روشن است، چون قطعاً به فروپاشی اسرائیل منجر خواهد شد. به هر حال در ۱۷ اکتبر از پدیده‌ای رونمایی شد که وضعیت و شرایط امنیتی اسرائیل را زیر سؤال برد؛ این عنصر هنوز با برجاست و اگر شما بپذیرید که وارد مذاکره بااین عنصر شوید، یعنی پذیرفته‌اید که همیشه این عامل تهدید وجود دارد و این برای آن شهر کنش‌نیی که از محل زندگی خود مهاجرت کرده تاد اسرائیل طعم امنیت بیشتری را بجشد، مطلوب نیست و ممکن است موج مهاجرت معکوس را تشدید کند. به نظر می‌رسد جنگ کنونی، فرسایشی خواهد شد و از نوع درگیری گروه‌های مقاومت هم مشخص است که جنگ چنین شرایطی خواهد داشت؛ حجم ذخایر تسلیحاتی حزب‌الله لبنان گروه‌های مقاومت عراق و مقاومت یمن بسیار بیش از آن چیزی است که اکنون در حال استفاده است. آنها بسیار حساب شده، در حال استفاده از این زرادخانه تسلیحاتی خود هستند و این نشان می‌دهد مقاومت خود را برای یک جنگ طولانی و فرسایشی آماده کرده است. در یک جنگ فرسایشی نیز رژیم صهیونیستی قطعاً دچار فروپاشی خواهد شد، زیرا ارتش‌های کلاسیک، امکان درگیری در یک جنگ فرسایشی و گسترده را ندارند و در طول تاریخ معاصر نیز هیچ قدرت بزرگ نظامی نتوانسته است در یک جنگ فرسایشی شش‌هفت‌ساله، در برابر یک گروه پارتیزانی دوام بیاورد و در نهایت مجبور می‌شوند عقب‌نشینی کنند. چنانکه امریکایی‌ها در ویتنام و شوروی در افغانستان به همین مشکل و ناگزیر از اتمام جنگ شدند.

جنگ کنونی چه واقعیت‌هایی را در باره دو جبهه عیان کرد که تاکنون مشخص نبود؟

جنگ کنونی واقعیت‌هایی را در دو جبهه عیان کرد که به جد در خور ارزیابی و عبرت‌اندوزی هستند. رژیم صهیونیستی در طول چند دهه گذشته، میلیاردها دلار در سطح رسانه و همچنین در حوزه سیاسی و اقتصادی هزینه کرد تا پروژه عادی‌سازی شرایط خود را به انجام برساند. عملیات طوفان الاقصی، دو، سه دهه بعد از سخنرانی نتانیاهو در سازمان ملل انجام شد. او آنجا اعلام کرد اسرائیل به طور کامل تبدیل به یک نظام سیاسی عادی شده است و امروز به عنوان یک کشور معمولی در دنیا شناخته می‌شود. به خصوص بعد از «تأییدنامه ابراهیم» با کشورهای عربی امارات، اردن، بحرین و سودان؛ عادی‌سازی رژیم صهیونیستی بر مبنای ایده مظلومیت تاریخی قوم یهود و ماجرای هولوکاست و مسائل تاریخی دیگر بود. در فرایند عملیات طوفان الاقصی، جنایات بی‌سابقه و غیرقابل وصف رژیم صهیونیستی موجب شد تا افکار عمومی دنیا که در صدد بالایی از آنها اساساً هیچ ورودی نسبت به قصه فلسطینه نداشتند، از چند و چون آن آگاه شوند و البته فراتر از این آگاهی، در کنار ملت مظلوم فلسطین قرار گیرند و خواستار توقف نابودی رژیم صهیونیستی شوند. در فرایند یکساله پس از ۷ اکتبر و بعد از وقوع جنایات کم سابقه اسرائیل علیه فلسطین و لبنان، عنصر تاریخی-تبلینی مظلومیت قوم یهود که به شکل‌گیری رژیم صهیونیستی مشروعیت بخشیده بود و داستان هولوکاست که آن را در جهان اسلام نیز بسیاری از مسلمانان غصب و اشغال است. از سوی دیگر در سوی دیگر ماجرا، رفتن از جهان اسلام نیز بسیاری از مسلمانان آگاهی چندانی از مسئله اشغال فلسطین به دست اسرائیل نداشتند؛ اما نبردی که از طوفان الاقصی آغاز شد و پیامدهای آن، نگاه عموم جهانیان و به ویژه جهان اسلام را نسبت به مقاومت فلسطین داد و به آنها در این باره آگاهی‌های فراوانی بخشید.

و کدام آخر؟

طی یک سال گذشته، وضعیت رژیم صهیونیستی تغییرات فراوانی پیدا کرده است و شاهد فروپاشی اجتماعی، امنیتی و اقتصادی این حکومت هشتم به شخص‌های آن از سوی رسانه‌های رژیم صهیونیستی گزارش می‌شود. بدون شک، وضعیت برای اسرائیل بسیار خطرناک است. اگر این شرایط تا یکی دو سال آینده ادامه داشته باشد، فشار سنگینی بر این رژیم ایجاد می‌شود که با وضعیت کشورهای فلسطین و لبنان قابل قیاس نیست. به هر حال ساختار اجتماعی فلسطین و لبنان با شرایط حاکم سرزمین‌های اشغالی تفاوت زیادی دارد. در آنجا یک عده آواره زندگی می‌کنند که از نقاط مختلف جهان به این سرزمین غصبی آورده شده‌اند. خیلی از آنها پاسبیورت کشورهای دیگر در جیب‌شان است و اگر احساس کنند این نامنی همچنان و همواره وجود خواهد داشت، قاعداً تصمیم به ترک فلسطین اشغالی خواهند گرفت، در حالی که مردم فلسطین و لبنان صدها سال است در این منطقه زندگی می‌کنند و کشور متعلق به خودشان است. اگر خانه‌هایشان با خاک هم یکسان شود، دوباره برمی‌گردند و آنها را از نو خواهند ساخت. در چند دهه گذشته برخی از مردم فلسطین و لبنان، چندین بار خانه‌هایشان ویران شده و منازل خود را از نو ساخته‌اند و در این نوبت نیز دوباره خواهند ساخت، ولی این امکان برای اشغالگران صهیونیست فراهم نخواهد بود.

در سرزمین اشغالی فلسطین یک عده آواره زندگی می‌کنند که از نقاط مختلف جهان به آنجا آورده شده‌اند. خیلی از آنها پاسپورت کشورهای دیگر در جیب‌شان است و اگر احساس کنند این نامنی همچنان و همواره وجود خواهد داشت، تصمیم به ترک فلسطین اشغالی خواهند گرفت، در حالی که مردم فلسطین و لبنان اگر خانه‌هایشان با خاک هم یکسان شود با جدیت آنها را از نو خواهند ساخت

دنیا ندارد. به لحاظ داخلی نیز گرفتار فروپاشی عمیق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شده و درصد بالایی از جمعیتش در فرایند مهاجرت معکوس قرار دارد و همین امر نیز در نهایت و به حول و قوه الهی، زمینه فروپاشی اسرائیل را فراهم خواهد کرد.

آیا اسرائیل توان تداوم زنجیره جنگ را دارد چه اینکه بر خسی معتقدند ساختار ارتش این کشور، قدرت تحمل جنگ‌های فرسایشی را ندارد؟

مسئله این نیست که توانش را دارد یا ندارد. اسرائیل تنها نیست و امریکایی‌ها در مرکزیت میدان قرار دارند. اگر امریکایی‌ها نبودند، در همان یک ماه اول طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی فروپاشیده بود؛ در حال حاضر همه کاره جنگ، ایالات متحده و به طور کلی آنگلوکساکسون‌ها هستند و باید اینها را در کنار هم دید و تحلیل کرد. اگر چه ما در ظاهر رژیم صهیونیستی را می‌بینیم و دیگر حامیان به دلایلی مداخله مستقیم ندارند، اما نباید از نظر دور داشت که همه این طرف‌ها در ماجرا دخیل و فعال هستند. نکته بعدی این است که اسرائیل در یک بن‌بست گرفتار شده است و دارد به مرز فروپاشی می‌رسد. از عملیات‌های وعده صادق یک و دو جمهوری اسلامی هم نباید و نمی‌توان به سادگی عبور کرد. رژیمی که سال‌ها تبلیغ کرده بود که چهارمین یکی از سخنرانی‌های اخیر شان تأکید کرد اگر همه ما و فرماندهان رده بالای حزب‌الله را به شهادت رساندند، شما چشم‌مان به میدان باشد و میدان مشخص می‌کند کدام طرف پیروز خواهد شد. دقت در دستنی این اصل، پس از شهادت رهبران حزب الله و حماس تا کنون کاملاً آشکار شده است. زیرا مبارزات گروه‌های مقاومت نه تنها کم اثرتر نشده، بلکه گسترش بسیار بیشتری نیز پیدا کرده است. تا جایی که امروز برخی رهبران نظام اسرائیل از احتمال پایان درگیری‌های زمینی در جنوب لبنان به دلیل تلفات بالا خبر می‌دهند. نیروهای مقاومت، سال‌ها در فضای درگیری با رژیم صهیونیستی و تکفیری‌ها در سوریه پرورش پیدا کرده و نبردهای بی‌مراتب سهمگین‌تری را از نزدیک تجربه کرده‌اند، بنابراین از این جهت هیچ‌گونه نگرانی وجود ندارد و آنها کاملاً قدرت مدیریت شریط را دارند. در سطح فرماندهی نیز شاید بتوان گفت فرماندهان جوان‌تر، جسورتر و جلاک‌تر وارد میدان شده‌اند و از این جنبه هم هیچ‌گونه خلأیی احساس نمی‌شود. البته به طور طبیعی، فقدان رهبران بزرگ پیامدهایی را به همراه خواهد داشت.

پس به باور شما نفس وقوع ترور رهبران، نقشی در افسول مقاومت علیه رژیم صهیونیستی نخواهد داشت؟

به هر حال باید بپذیریم که مزیت رژیم صهیونیستی همواره در ترور بوده است و اینها از اقتضانات و نتایج طبیعی یک نبرد بزرگ با این رژیم به شمار می‌رود، بنابراین نباید زمینه‌نمایی‌ را فراهم آورد. مسئله مهم این است که رژیم صهیونیستی در میدان، حتی در غزه کم‌وبست، کوچک‌ترین دستاوردی را به دست نیاورده است و جایگاه آن نیز به شدت در افکار عمومی دنیا لطمه خورده است. همین الان اگر از مردم دنیا در مورد رژیم صهیونیستی نظرستجی کنند، درصد بسیار بالایی در کشورهای اروپایی، ایالات متحده و جاهای دیگر از تشکیل دولت فلسطین حمایت می‌کنند و این نشان می‌دهد نه تنها اسرائیل چیزی به دست نیاورده است، بلکه کلی از آن دستاوردهایی که سال‌ها در پروژه‌های عادی‌سازی به دست آورده بود را از دست داده است و اساساً وجهه‌ای در افکار عمومی فلسطین خواهد بود و خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران را نیز بازسازی می‌کند، بنابراین مسئله، خود جمهوری اسلامی است که به این تهاجم چگونه پاسخ می‌دهد. در آسانی که پشت سر گذاشتیم، یک گروه مقاومت به نام «گروه مقاومت حجاز» در عربستان سعودی برای اولین بار با شلیک یک پهپاد به سمت سرزمین اشغالی، عملیاتی را انجام داد که در نوع خود بسیار جالب بود. در کنار مقاومت لبنان، عراق و یمن، این گروه هم اولین عملیات خود را انجام داد. در چند ماه قبل هم یک پهپاد از سوی مقاومت بحرین به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک شد و این نشان می‌دهد هنوز بخشی از اضلاع مقاومت در این حوزه فعال نشدنند و اگر دایره گسترده‌تر شود، ممکن است حلقه آتش وسیع‌تر شود و فضا را برای رژیم صهیونیستی سنگین خواهد کرد. بی‌شک محور مقاومت، هنوز از همه ظرفیت‌های خود علیه رژیم صهیونیستی استفاده نکرده است.